

نقش تحریم‌های اقتصادی در تجارت بین ایران و افغانستان

نوع مقاله: ترویجی

نادر مهرگان^۱

محمد غفاری فرد^۲

مرتضی کاظمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱

چکیده

در عصر حاضر به دلیل پیشرفت سیستم حمل و نقل و فناوری ارتباطات، اقتصاد و تجارت کشورها در هم تنیده شده است. این موضوع اهمیت حیاتی تجارت خارجی را به عنوان اصلی ترین اهرم رشد و توسعه اقتصادی را بیشتر نمایان ساخته است. در این بین تجارت میان ایران و افغانستان به دلیل همسایگی و دارا بودن ظرفیت‌های زیاد همکاری‌های تجاری و اقتصادی اهمیت مساله را دوچندان می‌کند. اما وضع تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تجارت میان دو کشور را، با انواع موانع و محدودیت مواجه می‌سازد. لذا در این پژوهش، تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر مبادلات تجاری ایران و افغانستان طی سال‌های (۱۳۹۹-۱۳۸۰)، به روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده بررسی و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، وضع هرگونه تحریم اقتصادی نه تنها باعث کاهش تجارت میان دو کشور نشده است بلکه باعث شده که در بلند مدت تجارت میان ایران و افغانستان افزایش یابد. بنابراین دو کشور می‌بایست راهکارهای لازم را جهت کاهش اثر تحریم‌ها و توسعه تجارت را بکار بگیرند.

کلمات کلیدی: تحریم اقتصادی، تجارت، ایران، افغانستان، حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده،

طبقه‌بندی JEL: F21, F10, C23

mehregannader@gmail.com

mghunivers1390@gmail.com

smkazimi25@gmail.com

۱ استاد دانشگاه بوعالی سینا (نویسنده مسئول)

۲ استادیار دانشگاه اهل بیت

۳ دانشجوی ارشد دانشگاه اهل بیت

مقدمه

افغانستان یکی از محدود کشورهای جهان است که محاط به خشکی بوده و هیچ دسترسی به آبهای آزاد ندارد. این امر باعث گردیده است تا در تجارت و بازرگانی بیشتر به همسایه‌های خود متکی باشد. از طرف دیگر این کشور در دهه‌های اخیر همواره محل نزاع و درگیری قدرت‌های مختلف و گروه‌های نظامی افراطی بوده است. بنا براین اقتصاد این کشور همواره متأثر از جنگ بوده است. هرچند در سال ۱۳۸۰ به دنبال تأسیس حکومت جدید، وضعیت اندکی بهبود یافته و حداقل این کشور توانسته روابط اقتصادی با کشورهای مختلف برقرار نماید و عضویت بعضی از سازمان‌های اقتصادی را بدست آورد.

براساس گزارش بانک جهانی کشاورزی اساس اقتصاد افغانستان را تشکیل داده و ۶۰ درصد خانواده‌ها عواید شان را از این راه به دست می‌آورند (جویا، ۱۳۹۵: ۱۹). با آن همه به سبب نرخ بازدهی پایین کشاورزی به دلیل عدم دسترسی به وسائل مدرن و وقوع جنگ‌ها در مناطق زراعی هنوز این کشور سالانه مقدار زیادی محصولات کشاورزی بیوژه آرد و گندم را از کشورهای دیگر وارد می‌کند. سهم صنعت در اقتصاد این کشور به علت نبود زیر ساخت‌های لازم بسیار کمرنگ است. به همین دلیل سهم تولیدات داخلی در تجارت این کشور بسیار کم بوده و اکثر کالای مورد نیاز خود را از خارج تأمین می‌کند.

ایران نیز یکی از محدود کشورهای جهان است که اختلافات بسیار شدید در مسایل مختلف با امریکا و قدرت‌های غربی دارد. این اختلاف‌ها باعث شده است که هدف تحریم‌های امریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار گیرد. وضع تحریم‌های اقتصادی باعث گردیده است که مبادلات تجاری بین ایران و شرکای تجاری آن، دچار انواع مشکلات و موانع گردد. در فرایند تحریم‌های اقتصادی، شواهد حاکی از آن است که ایران با تغییر ساختار تجارت خارجی و از طریق افزایش تجارت با کشورهای نظیر چین، هند، افغانستان و سایر کشورهای که تحت تحریم‌های اقتصادی امریکا قرار ندارند و به هر دلیل تحریم‌های اقتصادی امریکا و اتحادیه اروپا را در مناسبات تجاری خود با ایران لحاظ نمی‌کنند، کوشیده اند به طور نسبی، با دور زدن تحریم‌ها، جریان کالاهای ضروری را برای رشد و توسعه اقتصادی خود تا حد ممکن حفظ نماید. به عنوان نمونه، به اساس آمار گمرک ایران، در بازه زمانی (۱۳۹۸-۱۳۸۰)، تجارت ایران با چین و افغانستان به ترتیب ۴۴,۲ و ۲۲,۸ برابر افزایش، در مقابل تجارت با سوئد و ژاپن به ترتیب ۲۶ و ۱۰ برابر کاهش یافته است.^۱ به این ترتیب فارغ از مسئله دور زدن تحریم‌های اقتصادی، شرکای عمدۀ تجارت ایران هم

^۱ گمرک ایران - داده‌های تجارت خارجی

تغییر کرده است. بنا بر این کشورها، روابط اقتصادی و تجاری شان را بر اساس روابط سیاسی تنظیم می‌کنند.

بیشتر اقتصاددانان که تجارت موتور رشد در جهان امروزی است و تجارت امکان بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی بالقوه را با توجه به مزیت‌های نسبی موجود به وجود می‌آورد. تجارت نرخ رشد اقتصادی از طریق دسترسی به بازارهای خارجی، تکنولوژی و منابع متأثر می‌سازد. در مطالعات تجربی که توسط فدر ۱۹۸۲ و ادوارد ۱۹۹۸ انجام شده است نشان می‌دهد که انتقال بین‌المللی فناوری به جریان تجارت ارتباط دارد (جعفری سرشت، سلمان پور و شکوهی فرد، ۱۳۹۸: ۱۶۲).

با توجه به روابط خوب دو کشور همسایه لازم است، روابط اقتصادی و تجاری گسترش یابد. هم‌چنین مطالعاتی که در خصوص رشد اقتصادی افغانستان شده نشان می‌دهد که در بین کشورهای همسایه، ایران بیشترین تأثیر مثبت را در رشد اقتصادی افغانستان داشته است (خاشعی، ۱۳۹۸).

این مسئله ضرورت توسعه مبادلات بین دو کشور را دو چندان می‌کند.

سازماندهی این مقاله به نحوی است که نخست مروری بر دیدگاه‌های نظری درباره تحریم داشته و در بخش دوم، مطالعات انجام شده درخصوص موضوع مورد بحث اشاره شده است. در بخش سوم، روند تجارت ایران و افغانستان بررسی شده است و در بخش چهارم، روش تحقیق معرفی و مدل برآورده شده است و در نهایت تجزیه و تحلیل، جمع بندی، نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی تحقیق انجام شده است.

۱. مبانی نظری

۱-۱. نگاهی مختصر به تجارت و تحریم در اسلام

تجارت یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر زندگی اجتماعی است که اسلام آنرا به عنوان یکی از منابع مشروع و مباح قرار داده است. متون فقهی به دلیل اهمیت و گسترده‌گی مسائل تجارت، از زوایای مختلف به آن پرداخته است. تجارت در دین اسلام بر پایه معنویت و فضیلت بوده زیرا هدف آن فراهم ساختن ساختن وسایل رفاه عمومی در جامعه بشری است. خداوند در قرآن کریم بر انسان منت می‌نهد که راه تجارت داخلی و خارجی راه برای او مهیا ساخته است. حضرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر بازگنان و صنعت کاران را در کنار یکدیگر نام می‌برد ضمن بر شمردن اهداف مشترک دو گروه به حاکم اسلامی جهن رسیدگی امور آنان توصیه می‌کند. امام صادق(ع) یکی از علتهای تحریم ربا را اقبال مردم به تجارت دانسته است؛ زیرا فرهنگ ربا خواری انگیزه‌های

بازرگانی را از بین می‌برد و موجب کاهش تولید می‌شود. پیامبر اسلام قبل از بعثت در کاروان تجاری قریش به عنوان نماینده حضرت خدیجه به شام مسافرات می‌نمود. از جمله اصول مهم حقوق تجارت در عصر حاضر، گردش ثروت و توزیع عادله آن می‌باشد که در کتاب آسمانی نیز تذکر داده شده است.

سیاستی که امروز به بنام تحریم یاد می‌شود ریشه طولانی در تاریخ اسلام دارد. از منظر قرآن کریم دشمنان همواره در اندیشه این هستند تا عدالت خواهان را به تسیلم واداشته و آنان را از مسیر حق و حقانیت و دفاع از عدالت باز دارند. همچنین تلاش دشمنان این است که عدالت خواهان را از مواضع اصولی خویش از جمله حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران باز دارد. در حالی که این امور از مهم‌ترین مواضع دولت اسلامی در سیاست خارجی است (نساء، ۷۵). مروری بر تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که یکی از روش‌های دشمنان محاصره و ایجاد انواع محدودیت اقتصادی جهت به زانو درآوردن و عقب نشینی از مواضع حق طلبانه و ستم سیزمانه آنان است. حادثه شعب ابی طالب و تحریم آب و غذا در حادثه عاشورا در سال ۶۱ هجری قمری را می‌توان به عنوان تحریم اقتصادی در صدر اسلام مطرح نمود.

از منظر اسلام عقب نشینی نسبت به اصول و مواضع اصولی در هیچ زمانی و حالی جایز و روا نیست. حکومت و امت اسلامی نباید از مواضع اصولی خود کوتاه آید، زیرا دشمنان تا زمانی تسلیم یا تغییر رفتار و آیین، دست از فشار و تهدید بر نخواهد داشت و محاصره و تحریم جز با تغییر نظام سیاسی اسلام و عقب نشینی از آیین آن پایان نمی‌پذیرد (جواهر دهی، ۱۳۹۷). خداوند مؤمنان را به قطع وابستگی به بیگانگان تشویق می‌کند (توبه، ۲۸).

براساس قاعده نفی سبیل در قوانین و شریعت اسلام، هرگونه راه نفوذ و تسلط کفار، بر مسلمین را بسته اند. بنا بر این در هیچ شرایطی تسلط کفار بر مسلمانان جایز نیست (غفاری و یونسی، ۱۳۹۵، ۷۰).

۲-۱. تحریم اقتصادی^۱ و انواع آن

تحریم اقتصادی عبارت از یک ابزار در دست دولت‌ها و بازی گران بین‌المللی است که به منظور تحت فشار قرار دادن کشورهای غیر همسو یا کشورهایی که از نظر آنها ناقص اصول بین‌المللی هستند، استفاده می‌گردد (نادمی و حسوند، ۱۳۹۸: ۱۵۶). به عقیده ایلر^۲ تحریم سلاح اقتصادی است که در میدان مبارزه غیر نظامی دیپلماسی را از گفتگو فراتر برده و وارد عمل نموده است (ایلر،

^۱ Economic Sanctions

^۲ Eylar

۷۰۰:۴). تحریم‌های اقتصادی را می‌توان به اشکال مختلف دسته بندی کرد. از منظر کشورهای تحریم کننده (منبع تحریم) به سه دسته: یک جانبه، چند جانبه و جامع تقسیم نموده اند. زمانی یک کشور به تنها یک تحریم وضع نماید، تحریم یک جانبه شکل می‌گیرد، در صورتی که تعداد وضع کننده‌گان تحریم از یک دولت فراتر رود، تحریم چند جانبه شکل می‌گیرد و در تحریم جامع واضح آن شورای امنیت سازمان ملل است. هافبایر و اویچ^۱ (۲۰۰۳) تحریم‌ها را به سه دسته محدود (ضعیف)، متوسط و گسترده^۲ (شدید یا قوی) که میزان شدت و پوشش آنرا بیان می‌کند تقسیم نموده اند. تحریم‌های ضعیف را به چهار نوع: ۱) محدودیت، تعلیق کمک‌های اقتصادی؛ ۲) ممنوعیت صادرات قطعات نظامی و محصولات با کاربردهای دوگانه؛ ۳) محدودیت ارائه خدمات ضمانت بانکی؛ ۴) محدودیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های خصوصی در کشور هدف. تحریم متوسط شامل مجموعه‌ی از تحریم‌های مالی و تجاری (ممنوعیت سرمایه‌گذاری در کشور هدف، بلوکه (منجمد) ساختن اموال و دارایی‌کشور هدف، وضع محدودیت صادرات به کشور هدف) است. در نهایت تحریم‌های شدید در گیرنده تحریم‌های گسترده‌ی تجاری و مالی هستند که به هدف ایجاد محدودیت بسیار سخت در تجارت و سرمایه‌گذاری در کشور هدف اعمال می‌شود. از منظر کسانی که ملزم می‌شود تحریم‌ها را رعایت کنند (مخاطبان تحریم) به دو دسته تحریم‌های اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود. دولت‌ها معمولاً اشخاص حقیقی و حقوقی تابع خود را در برابر نقض تحریم‌ها مورد مجازات قرار می‌دهند، این تحریم‌ها به «تحریم‌های اولیه» معروف است. اما در برخی موارد دولت‌ها اتباع دولت‌های دیگر را نیز در برابر نقض تحریم مجازات می‌کند که به «تحریم‌های ثانویه» معروف است (صفا و ردادی، ۱۳۹۴:۸۱). تحریم اقتصادی از کانال‌های که تحریم کننده‌گان دنبال می‌کنند، در سه قالب طبقه بندی می‌شود: (الف) تحریم واردات؛ (ب) تحریم صادرات؛ (ج) تحریم مالی و بانکی.

۱-۱. تاریخچه تحریم‌ها

استفاده از ابزار تحریم سابقه طولانی در روابط بین‌الملل دارد. قدیمی‌ترین مورد تحریم اقتصادی در سال ۴۳۲ قبل از میلاد در یونان باستان اجرا شد که در آن اهالی پایتخت یونان (آتن) از واردات کالا از شهر جنوبی یونان (میگارا^۳) منع شدند (طبعانی و درخشان، ۱۳۹۳:۱۱۹). استفاده از تحریم به شکل نوین، به قرن نوزدهم میلادی بر می‌گردد. در آن دوران اعمال تحریم اغلبًا از طریق

^۱ Hufbauer & Oegg

^۲ Limited, moderate and extensive

^۳ Megara

محاصره بنادر توسط ناوهای جنگی یک دولت یا گروه از دولت‌ها به شکل ائتلاف، جهت قطع مناسبات اقتصادی با کشورهای که در جنگ نبودند صورت می‌گرفت (هرندی، ۹۶:۱۳۹۷). این روش به تدریج توسعه یافت و به یکی از ابزار قهرآمیز، اما بدون جنگ برای وادار ساختن دولت‌های که از نظر تحریم کننده‌گان نا فرمانی تلقی می‌شدند، به پرداخت بدھی یا خسارت و یا هم تسویه اختلاف‌های بین‌المللی به کار گرفته می‌شد. در اوخر قرن نوزدهم استفاده از تحریم‌های اقتصادی در زمان جنگ معمول گردید و صادرات کالای راهبردی تحت کنترول درآمد و عرضه این نوع کالا به کشورهای خاص منع شدند (طغیانی و درخشنان، ۱۲۰:۱۳۹۳). در سال ۱۹۱۹ میلادی ویلسون رئیس جمهور سابق امریکا، تحریم‌های اقتصادی را یک راهکار اقتصادی صلح آمیز و در عین حال مهلک برای اداره جامعه جهانی توسط جامعه ملل^۱ پیشنهاد کرد (هافبائر و همکاران، ۱۹۹۰). میثاق جامعه ملل نخستین سند بین‌المللی است که مجوز تحریم را صادر نموده است (هرندی، ۹۷:۱۳۹۷). تا این زمان استفاده از تحریم‌های اقتصادی در زمان غیر از جنگ معمول نبود. در نیمه اول قرن بیستم اصطلاح تحریم اقتصادی به تحریم‌های جامعه ملل اطلاق می‌گردید و این تحریم‌ها به چند مورد یعنی: یوگسلاوی (۱۹۲۱)، یونان (۱۹۲۵)، پاراگوئه و بولوی (۱۹۳۲) و ایتالیا (۱۹۳۵) محدود می‌شد. طبق مطالعه هافبائر و الیوت^۲ (۱۹۹۰) حداقل ۱۳ مورد تحریم قبل از جنگ جهانی اول اعمال شده بودند. در اوخر قرن بیستم میلادی یک پارچگی اقتصاد جهانی موجب شد قدرت‌های جهانی از ابزار تحریم اقتصادی جهت تحمیل و قبولاندن اراده خود بر سایر کشورها بیشتر کار گیرد (صفا و ردادی، ۷۶:۱۳۹۴). موج جدید تحریم‌ها در ختم جنگ سرد و ظهور نظام تک قطبی شروع گردید و قدرت‌های جهانی برای جلوگیری از هزینه مداخله نظامی در کشورهای دیگر از تحریم به عنوان ابزاری جایگزین جهت پی‌گیری و دنبال نمودن سیاست و منافع خود استفاده کردند (روجیرس^۳، ۱۹۹۶). به نحوی که در فاصله جنگ جهانی اول تا سال ۱۹۹۰ کشورهای جهان ۱۱۵ مورد تحریم و از سال ۱۹۹۹ تا ۱۹۹۰ کشورهای جهانی ۶۱ تحریم را تجربه کرده‌اند (اخوی و حسینی، ۴۰:۱۳۹۶). ملاحظه می‌شود که استفاده از تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک ابزار مهم جهت تحت تأثیر قرار دادن رفتار کشورهای غیر همسو تبدیل شده و حتی مورد پذیرش سازمان‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند. این رویکرد باعث گردید، شورای امنیت سازمان ملل که در ۴۵ سال اول عمرش فقط دوبار اقدام به وضع تحریم بر ضد رودزیا (۱۹۶۶) و افريقای جنوبی (۱۹۷۷) کرده بود، تنها در دهه ۱۹۹۰، ۱۶ بار تحریم بر ضد کشورهای بوسنی، چن و

^۱ The League of Nations

^۲ Hufbauer & Elliott

^۳ Rogers

سومالی به تصویب برساند (کورترایت او همکاران، ۲۰۰۰). در جریان قرن بیستم بعد از جنگ جهانی اول، تحریم‌های یک جانبه نیز رونق یافت، بگونه‌ای که از مجموع ۱۱۵ مورد تحریم اقتصادی در فاصله زمانی (۱۹۹۰-۱۹۹۴)، ۷۷ مورد یعنی ۶۷ درصد کل این تحریم‌ها از سوی امریکا اعمال شده بودند (طغیانی و درخشنان، ۱۳۹۳:۱۲۰). روسیه نیز در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ ۳۵ مورد تحریم برای تحمیل اراده خود بر جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده وضع کرده‌اند (دریزنر^۱، ۱۹۹۹). از آغاز قرن ۲۱ نیز تحریم اقتصادی به عنوان یک سیاست خارجی با اهمیت و اسلحه‌ای مرگبار جایگزین جنگ مطرح شده است (اخوی و حسینی، ۱۳۹۶:۳۹). به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تحریم اقتصادی یک نوع به کارگیری ابزار حقوقی برای منافع سیاسی در حوزه اقتصاد است، به این مفهوم که تحریم‌کننده‌ها، با پوشش حقوقی از طریق نهادهای بین‌المللی به دنبال بهره‌گیری سیاسی هستند و در این راستا از فشار اقتصادی بر کشورهای غیر همسو استفاده می‌کند (هرندی، ۱۳۹۷:۹۲).

تحریم‌های اقتصادی بر ضد ایران نیز قدمتی نسبتاً طولانی داشته که معمولاً از جانب قدرت‌های جهانی برای دستیابی به اهداف سیاسی، نظیر تغییر رفتار سیاسی و یا تغییر نظام سیاسی، علیه اقتصاد ایران اعمال گردیده است (نادمی و حسنوند، ۱۳۹۸:۱۵۹). در این میان نقش امریکا در وضع و اجرای تحریم‌های اقتصادی به شکل عام در جهان، به شکل خاص علیه ایران بسیار پر رنگ بوده و با گذشت به شدت در حال افزایش است. در مجموع دو سوم از تحریم‌های جهان توسط امریکا اجرا شده است (اخوی و حسینی، ۱۳۹۶:۴۱). به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی سهم امریکا در کاربرد سیاست تحریم اقتصادی و تعداد تحریم‌ها از ۶۷ درصد در بازه زمانی (۱۹۹۰-۱۹۹۴) به ۹۲ درصد در بازه زمانی (۱۹۹۰-۱۹۹۹) افزایش یافته است. تنها در دوره اول ریاست جمهوری کلینتون^۲ دولت امریکا ۶۱ تحریم اقتصادی علیه ۳۵ کشور که جمعیت ۲,۳ میلیارد نفر، ۴۲ درصد کل جمعیت و ۱۹ درصد کل صادرات آن‌زمان را شامل می‌گردید به اجرا گذاشته بودند.

۴-۱. تحریم‌های اقتصادی ایران

هرچند اولین تجربه تحریم ایران در دهه ۱۳۳۰ به دوران حکومت مصدق و تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت بر می‌گردد. انگلیس و امریکا در آن زمان با ابزار تحریم کوشیدند مانع ملی شدن صنعت نفت در ایران گردد (طغیانی و درخشنان، ۱۳۹۳:۱۲۱). اما تجربه اصلی تحریم‌های اقتصادی

^۱ Cortright

^۲ Drezner

^۳ Clinton

غرب و به ویژه امریکا علیه ایران به سال‌های بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ مرتبط است؛ زیرا این انقلاب ایران به یک کشوری مخالف سیاست‌های امریکا در منطقه تبدیل نموده است. تحریم‌های ایران را بعد از انقلاب اسلامی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی به لحاظ شدت تحریم و نوع رفتار بازی‌گران، می‌توان به چند دوره تقسیم نمود:

- از سال ۱۳۵۷ تا اویل سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ تا ۱۹۷۹) یعنی: از زمان پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط نظامی شاهی تا انتقال پرونده هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل؛
- از ۱۳۸۵ تا ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴) یعنی: از زمانی انتقال پرونده هسته‌ای به شورای امنیت سازمان ملل تا شکل‌گیری موافقت نامه بین‌المللی برجام (۲۰۱۵ جولای ۲۰۱۴)؛
- از ۲۳ تیر ۱۳۹۴ تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (۲۰۱۵ جولای ۲۰۱۸ تا ۸ می ۲۰۱۸) یعنی: از خروج شکل‌گیری برجام تا خروج یک‌جانبه امریکا از این توافق؛
- از تا ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ تا بهمن ۱۳۹۹ (۸ می ۲۰۱۸ تا ۲۱ جنوری ۲۰۲۱) یعنی: از خروج یک‌جانبه امریکا از توافق برجام (توسط فرمان اجرایی ترامپ) تا ریاست جمهوری جو بایدن؛ انقلاب اسلامی و روند حرکت ایران بعد از پیروزی انقلاب و ایستادگی در برابر عراق باعث گردید که امریکا بر علیه ایران تحریم‌های بیشتری را اعمال نماید. تا اویل سال ۲۰۰۶ امریکا از تحریم‌های یک‌جانبه استفاده کرد و سیاست‌های تحریم و یا ممنوعیت تجاری امریکا را هیچ یک از کشورها و همچنین شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران اعمال نکرده بود (نامدی و حسنوند، ۱۳۹۸: ۱۵۴). در سال ۲۰۰۶ پرونده هسته‌ای ایران باعث گردید که تحریم‌های ایران وارد مرحله جدید شود و سطح تنش با امریکا بیشتر افزایش یافت و اتحادیه اروپا به عنوان شریک نخست تجاری ایران نیز در برابر ایران قرارگرفت. از زمان انتقال پرونده هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحده، این پرونده از وضعیت حقوقی خارج شد و به فضای سیاسی-امنیتی کشیده شد و شش قطعنامه علیه ایران که نخستین آن جنبه اخطاری و پنج قطعنامه دیگر تحریم‌های سنگین را علیه ایران اعمال کرد، صادر شد. پس از تصویب قطعنامه‌ها از سویی شورای امنیت سازمان ملل متحده، موجی تازه‌ی از تحریم‌ها به طرف ایران سرازیر شد؛ حسن روحانی رئیس جمهور کنونی ایران با شعار «تعامل سازنده با کشورهای منطقه و جهان» حل مسئله هسته‌ای را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد و در نتیجه گفتگوهای میان ایران و گروههای ۱+۵ که قبل از این بارها به بن بست انجامیده بود، منجر به توافق برجام گردید. در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ که موافقت نامه برجام امضا شد. در تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۵ قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تصویب شده که بر اساس آن تحریم‌های قبلی شورای امنیت لغو شده و کشورهای امضا کننده این توافق‌نامه، موظف به

اجرای کامل تعهدات مندرج در آن شدند (دلخوش، ۱۳۹۶: ۵۲). توافقنامه برجام موجب آزاد سازی دارایی‌های مسدود شده ایران، لغو قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متعدد، خارج شدن شرکت‌های مهم از فهرست تحریم و برخی گشایش‌های اقتصادی در ایران شد. اما طبق ادعای ایران پس از آنکه ایران به همه تعهدات اش طبق متن برجام عمل کرد، طرف غربی تعهدات شان را به شکل کامل اجرا نکرده است.

با روی کارآمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ در امریکا و با اتکا به «سیاست عملگرایی و انزواگرایی» در مقابل «سیاست بین‌المللی گرایی» در ۲۰۱۸ امریکا با فرمان اجرایی ترامپ از برجام خارج شد (کریمی فرد، ۱۳۹۷: ۲۸۸). بر علاوه تحریم‌های یک جانبه را نیز بر نهادها (دولتی و غیر دولتی) و اشخاص ایرانی وضع نمود. خروج یک جانبه امریکا از برجام باعث گردید تحریم‌های ایران وارد فصل تازه شود و ایران بیشتر هدف تحریم‌های یک جانبه امریکا قرار گیرد. جوایزی داشت که شعار پایان دادن به سیاست یک جانبه گرایی ترامپ و بازگشت به تعهدات بین‌المللی در انتخاب ریاست جمهوری ۲۰۲۰ پیروز شد. به همین دلیل گفتگوی غیر مستقیم در موضوع برجام آغاز شد؛ اما تاحال به کدام نتایج دست نیافته و مذاکرات غیر مستقیم جریان دارد. هرچند گفتگوی ایران با گروه ۱+۵ موجی از خوشنی‌ها را ایجاد نموده است؛ ولی با توجه به عمق اختلافات میان ایران و امریکا موضوع پیچیده‌تر از آن است. در واقع این پرونده با گذشت زمان ابعاد گسترشده‌تری به خود گرفته و به پرونده‌ی چند بعدی و چندلایه تبدیل شده است که حل این مسئله به ساده‌گی امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲. مطالعات انجام شده

هرچند پژوهش حاضر اولین پژوهش است که اثر تحریم‌ها را بر تجارت ایران و افغانستان بررسی می‌کند؛ اما در زمینه اثر تحریم بر تجارت ایران تحقیقات گسترده انجام شده و در اینجا نتایج آخرین تحقیقات بیان می‌شود:

آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، اثر تحریم‌های اقتصادی را بر روابط تجاری ایران و شرکای عمدۀ آن در سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۵ بررسی نموده است یافته‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌های تاثیر منفی کمتری بر ارزش صادرات و واردات داشته در حالی که تحریم شدید تأثیر منفی قابل توجه بر میزان صادرات و واردات داشته است.

دیزجی و همکاران (۱۳۹۷) با استفاده از روش (GMM) و داده‌های ترکیبی پویا تاثیر تحریم‌های اعمال شده را بر ارزش تجارت متقابل کشاورزی بین ایران و کشورهای متأثر و کشورهای عضو اتحادیه اروپا بررسی نموده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحریم بر ارزش تجارت متقابل

محصولات کشاورزی بین ایران و کشورهای منابعی تاثیر ولی در مقابل بر ارزش صادرات محصولات کشاورزی ایران به اتحادیه اروپا تاثیر مثبت و معنادار داشته است.

ساجدیان فرد و همکاران (۱۳۹۸)، آثار تحریم‌های بین‌المللی را بر ساختار تجاری ایران با رویکرد نظریه شبکه بررسی کرده اند و نتیجه می‌گیرد که موقعیت ساختاری اقتصاد ایران در شبکه تجارت بین‌الملل تأثیر زیاد از تحریم‌نگرفته و ایران جزء کشورهای پیرامون شبکه بوده است.

مجیدی و زارونی^۱ (۲۰۱۶)، تأثیر تحریم‌ها را بر اقتصاد ایران، با استفاده از روش تحلیل توصیفی بررسی نموده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تحریم‌ها، قسمت بزرگی از اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرارداده است و آثار منفی و مثبت بر اقتصاد ایران دارد. محدود کردن دسترسی به منابع مالی و ارز، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش بیکاری و تورم، کاهش رشد اقتصادی از نتایج منفی تحریم‌ها به شمار می‌برد. کاهش واستگی اقتصاد به نفت، بهبود ظرفیت تولید داخلی و کاهش آسیب پذیری در برابر عوامل خارجی از آثار مثبت تحریم‌ها بر اقتصاد ایران به شمار می‌رود.

قدوسی و کاراملکی^۲ (۲۰۲۰)، تأثیر تحریم‌های کلی و هدفمند اعمال شده توسط اتحادیه اروپا علیه ایران را بر تجارت دوچانبه آنها بررسی نموده است. نتایج نشان می‌دهد که تحریم کلی جریان تجارت بین دو شریک تجاری را به شدت مختل کرده است.

دی^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، به بررسی روند تحولات اثرات تحریم‌ها بر تجارت بین‌المللی پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که که اثرات همزمان تحریم‌ها بر تجارت بزرگ، منفی و از نظر آماری قابل توجه است. همچنین اثرات منفی و قابل توجه تحریم‌ها پس از هشت سال پس از لغو آن به تدریج از بین می‌رود.

۳. روند تجارت ایران و افغانستان

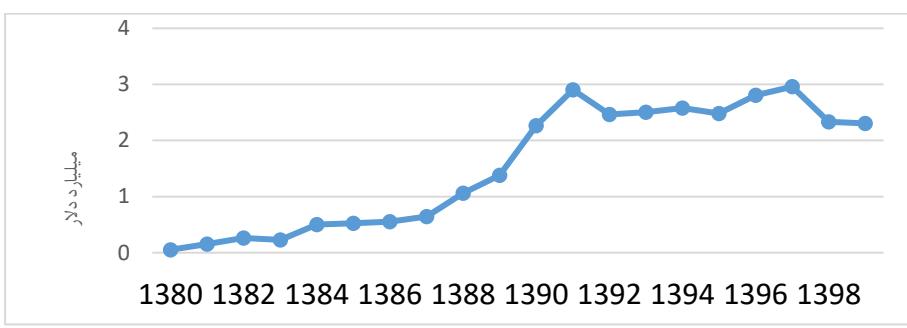
همانطوریکه در مقدمه ذکر گردید عدم دسترسی افغانستان به آبهای آزاد، وقوع جنگ‌ها، عدم زیرساخت‌های اقتصادی، سهم اندک صنعت در اقتصاد، نرخ بازدهی پائین کشاورزی و بسیاری از موارد دیگر باعث گردیده که این کشور در تجارت و بازارگانی بیشتر به همسایه‌های خود از جمله ایران و پاکستان متکی باشد. از طرف دیگر در اثر تحریم‌های امریکا، اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل بعضی از شرکای تجاری ایران تجارت خود را با این کشور به شدت کاهش داده است. از آنجایی که پیدا کردن بازارهای مناسب برای محصولات یک کشور موجب استفاده از صرفه‌های

^۱ Majidi & Zarouni

^۲ Ghodsi & Karameliki

^۳ Dai

ناشی از مقیاس شده و باعث کاهش هزینه و تولید می‌گردد . بر اساس ادبیات تجارت بین‌الملل، عوامل زیادی بر تجارت مؤثر اند یکی از این عوامل قربات‌های مذهبی و فرهنگی است (یعقوبی منظری و رضایی، ۱۳۹۷:۹۱). این موضوع باعث شده است که ایران برای پر نمودن خلاء به وجود آمده و برای جریان اندختن تجارت خارجی خود به سراغ بازار کشورهای دیگر از جمله بازار ۷ میلیارد دلاری وارداتی افغانستان برود و تجارت را با افغانستان گسترش دهد. اضافه بر این، هم مرز بودن، اشتراکات فرهنگی افغانستان و ایران از دیگر مسایل است که در گسترش تجارت ایران و افغانستان تأثیر گذاشته است. روند تجارت ایران و افغانستان در نمودار(۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱. روند تجارت ایران و افغانستان

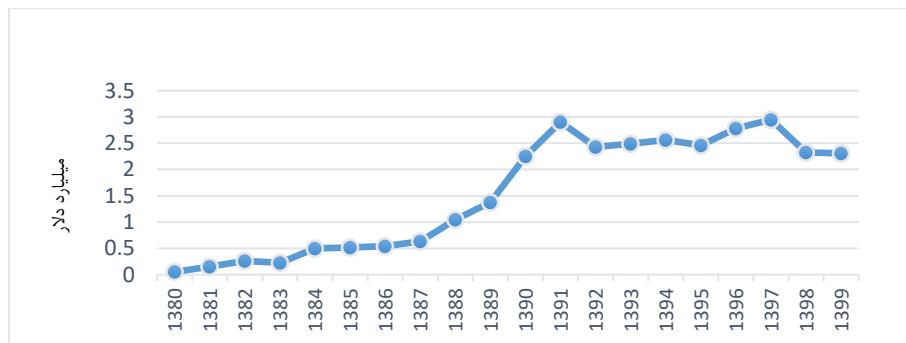
مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار فوق نشان می‌دهد که تجارت ایران و افغانستان از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ با وجود آنکه در بعضی از سال‌ها نسبت به سال قبل آن کاهش داشته است؛ اما به طور میانگین روند افزایشی داشته است. تجارت دو کشور در بازه زمانی مذکور سالانه به طور میانگین بیش از ۲ برابر افزایش یافته است.

۱-۳. عملکرد صادراتی ایران به افغانستان (عملکرد وارداتی افغانستان از ایران)

تحریم‌های غرب علیه ایران یکی از عوامل اصلی تغییر شرکای تجاري ایران به شمار می‌رود. کشورهای متحده امریکا (مخالفان ایران) به دلیل تحریم‌ها و همراهی با سیاست‌های امریکا در شرایطی که بخواهند به کشور ایران در عرصه اقتصاد بین‌الملل فشار آورند، به سرعت روابط تجاری خود را کاهش می‌دهند. ایران نیز به منظور فعل نگهداری تجارت خارجی خود و دور زدن نسبی این تحریم‌ها، از طریق افزایش تجارت با کشورهایی که تحریم‌های امریکا را در روابط تجاری شان با

ایران به هر دلیل لحاظ نمی‌کنند، می‌کوشد واردات و صادرات کالای مورد نیاز را تاحدی ممکن حفظ نماید. افغانستان یکی از کشورهای است که تجارت آن با ایران در طول زمان و با افزایش تحریم‌ها، افزایش قابل ملاحظه داشته است. روند صادرات ایران به افغانستان در نمودار (۲) را نشان داده شده است.



مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار فوق نشان می‌دهد روند صادرات ایران به افغانستان از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۹۹ روند افزایشی را طی نموده است؛ طوری که از حدود ۵۲ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰، در سال ۱۳۹۹، به دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار رسیده است. با این حساب صادرات ایران به افغانستان در ۲۰ سال اخیر بیش از ۴۴ برابر افزایش یافته است.

۲-۳. عملکرد صادراتی افغانستان به ایران (عملکرد وارداتی ایران از افغانستان)
هرچند طی چند سال اخیر پیشرفت‌ها و دستاورهای قابل توجه در عرصه رشد بخش خصوصی و توسعه تجارت بین‌الملل در افغانستان انجام شده است؛ اما هنوز هم تعداد از چالش‌های ظرفیتی و زیربنایی باعث گردیده است که افغانستان با تراز تجاری غیر متوalon (تفاوت بارز صادرات و واردات) طی چندین سال یکی از کشورهای کمتر توسعه یافته باقی بماند.

نبود راه‌های موصلاتی استاندارد و عدم دسترسی این کشور به آب‌های آزاد، تجارت خارجی آنرا به منافع سیاسی کشورهای همسایه (به ویژه پاکستان) متکی ساخته است. اینها همه عوامل ساختاری، طبیعی و جغرافیائی هستند که پیشرفت اقتصادی را بطي و کند ساخته است. عاملی که دارای نتیجه مثبت اقتصادی خواهد بود موقعیت مرکزی این کشور میان مناطق فرهنگی و اقتصادی آسیای مرکزی و جنوبی است که این کشور را به مرکز حمل و نقل (زمینی و هوایی) و وصل کننده

تجارت مرکز و جنوب آسیا مبدل کرده است. اندازه تجارت افغانستان و ایران به تفکیک سهم دو کشور در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. تجارت ایران و افغانستان (به تفکیک صادرات و واردات)

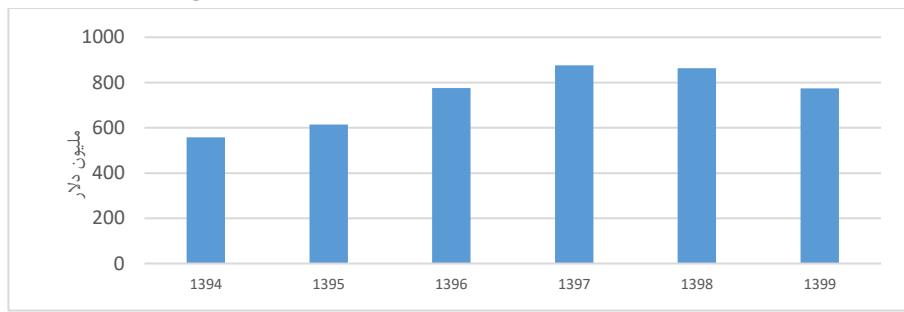
تجارت	سهم افغانستان (درصد)	سهم ایران (درصد)	صادرات به ایران	واردات از ایران	سال
۵۲۶۶۷۱۹۷	۱,۴	۹۸,۶	۷۳۹۲۱۹	۵۱۹۲۷۹۷۸	۱۳۸۰
۱۵۰۵۹۵۱۷۵	۰,۳	۹۹,۷	۵۰۴۱۲۶	۱۵۰۰۹۱۰۴۹	۱۳۸۱
۲۶۱۷۳۸۱۹۱	۰,۷	۹۹,۳	۱۸۰۳۹۶۵	۲۵۹۹۳۴۲۲۶	۱۳۸۲
۲۲۵۶۴۵۰۶۹	۱,۶	۹۸,۴	۳۶۴۱۳۶۹	۲۲۲۰۰۳۷۰۰	۱۳۸۳
۵۰۳۴۱۹۷۵۷	۱,۳	۹۸,۷	۶۳۴۵۲۵۳	۴۹۷۰۷۴۵۰۴	۱۳۸۴
۵۲۴۴۳۴۶۹۳	۱,۷	۹۸,۳	۸۸۸۵۴۰۵	۵۱۵۵۴۹۲۸۸	۱۳۸۵
۵۵۱۸۵۹۹۵۰	۱,۶	۹۸,۴	۸۹۳۶۱۰۸	۵۴۲۹۲۳۸۴۲	۱۳۸۶
۶۴۴۰۴۷۸۱۴	۱,۷	۹۸,۳	۱۱۲۰۰۴۶۱	۶۳۲۸۴۷۳۵۳	۱۳۸۷
۱۰۶۲۴۷۷۶۴۷	۱,۵	۹۸,۵	۱۵۴۵۳۶۶۱	۱۰۴۷۰۲۳۹۸۶	۱۳۸۸
۱۳۷۹۲۶۷۶۵۹	۰,۱	۹۹,۹	۱۱۶۴۹۷۳	۱۳۷۸۱۰۲۶۸۶	۱۳۸۹
۲۲۶۳۰۸۵۷۲۶	۰,۵	۹۹,۵	۱۰۲۸۰۰۶۹	۲۲۵۲۸۰۵۶۵۷	۱۳۹۰
۲۹۰۴۳۰۶۸۸۳	۰,۱	۹۹,۹	۲۴۶۳۴۱۲	۲۹۰۱۸۴۳۴۷۱	۱۳۹۱
۲۴۶۳۷۲۲۷۴۳	۱,۴	۹۸,۶	۳۴۶۲۵۸۸۱	۲۴۲۹۰۹۶۸۶۲	۱۳۹۲
۲۵۰۵۶۷۲۱۵۰	۰,۶	۹۹,۴	۱۴۸۶۵۱۴۱	۲۴۹۰۸۰۷۰۰۹	۱۳۹۳
۲۵۷۹۸۱۰۹۰۰	۰,۶	۹۹,۴	۱۴۱۸۴۲۶۲	۲۵۶۵۶۳۶۶۳۸	۱۳۹۴
۲۴۸۰۴۱۷۹۱۹	۰,۹	۹۹,۱	۲۱۶۴۲۴۱۰	۲۴۵۸۷۷۵۵۰۹	۱۳۹۵
۲۸۰۵۶۲۹۶۷۶	۰,۸	۹۹,۲	۲۰۳۹۸۲۴۱	۲۷۸۵۲۳۱۴۳۵	۱۳۹۶
۲۹۵۹۱۰۸۹۳۷	۰,۴	۹۹,۶	۱۱۰۰۹۱۵۸	۲۹۴۸۰۹۹۷۷۹	۱۳۹۷
۲۳۳۱۹۸۳۹۷۱	۰,۳	۹۹,۷	۷۶۵۷۶۳۳	۲۲۲۴۳۲۶۳۳۸	۱۳۹۸
۲۳۰۹۷۲۴۱۵۶	۰,۱۲	۹۹,۸	۴۱۶۶۷۰۹	۲۳۰۵۵۷۴۴۷	۱۳۹۹
۱۵۴۷۹۸۱۳۱۱	۰,۹	۹۹,۱	۹۹۹۸۳۷۲,۷۶۷	۱۵۳۷۹۸۲۹۳۸	میانگین

مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

جدول فوق نشان می‌دهد در تجارت میان ایران و افغانستان ایران بیشتر نقش صادراتی داشته و افغانستان نقش وارداتی دارد؛ در بازه زمانی (۱۳۸۰-۱۳۹۹) به طور میانگین اضافه از ۹۹ درصد حجم مبادلات تجاری را صادرات ایران به افغانستان و کمتر از یک درصد را صادرات افغانستان به ایران تشکیل می‌دهد. دو موضوع اصلی را می‌توان دلیل کم بودن صادرات افغانستان به ایران نام برد: نخست اینکه افغانستان عمده‌ای کشور وارداتی است که سالانه بسیاری از کالای مورد نیاز خود را

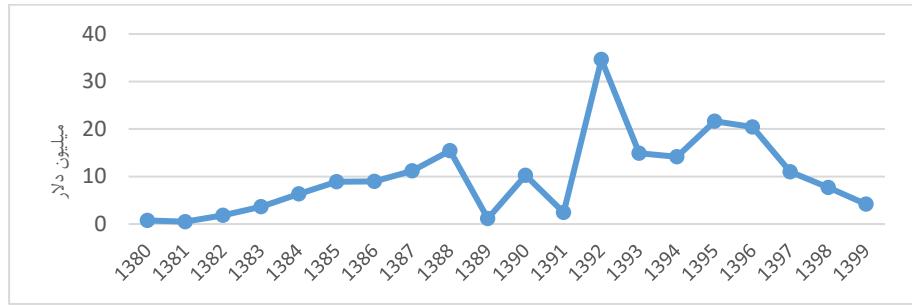
وارد می‌کند؛ طوری که طبق گزارش وزارت تجارت و صنایع افغانستان در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب ۸۸,۶۹ و ۹۰,۹۳ درصد کسری بیلانس تجاری داشته است. هر چند دولت افغانستان در چند سال اخیر استراتیژی کاهش واردات و افزایش صادرات را اتخاذ نموده که در آن مقدار صادرات در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ به ترتیب ۱,۵ میلیارد دلار و ۲ میلیارد دلار هدف گزاری شده بود؛ اما عواملی چون؛ افزایش ناامنی، نبود زیر ساختهای اقتصادی (برق، جاده‌های استاندارد...) و ویروس کرونا، باعث شده است که برنامه دولت به هدف تعیین شده نرسد و عملاً با هدف تعیین شده فاصله زیادی داشته باشد. نمودارهای (۳) و (۴) به ترتیب صادرات افغانستان را به کل کشورها و صادرات افغانستان را به ایران نشان می‌دهد.

نمودار ۳. کل صادرات افغانستان در ۶ سال اخیر را نشان می‌دهد



مأخذ: گزارش‌های سالانه وزارت تجارت و صنایع افغانستان

نمودار ۴. روند صادرات افغانستان به ایران



مأخذ: گمرک جمهوری اسلامی ایران

نمودار فوق نشان می‌دهد صادرات افغانستان به ایران بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ با فراز و نشیب همراه بوده است؛ طوریکه در سال ۱۳۸۹ کمترین حد و سال ۱۳۹۲ بیشترین حد را تجربه نموده است. صادرات افغانستان به ایران در مقایسه به واردات آن از ایران رشد اندک داشته و در ۲۰ سال گذشته ۵,۶ برابر گردیده است.

۴. روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ ابزاری یک مطالعه کتابخانه‌ی از نوع تحلیلی- توصیفی است و از نگاه هدف کاربردی تلقی می‌شود. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز بین سال‌های (۱۳۹۸-۱۳۸۰) از سه منبع (گمرک ایران، بانک جهانی و وزارت تجارت و صنایع افغانستان) بدست آمده و سپس داده‌ها توسط برنامه ایویوز^۱ با استفاده از مدل اقتصادستنجی، روش حداقل مربعات معمولی کاملاً اصلاح شده^۲ پردازش گردیده است. مدل تحقیق حاضر به کمک مدل جاذبه تعديل یافته که برای اولین بار توسط ایزار^۳ (۱۹۵۴) و تینبرگین^۴ (۱۹۶۲) مطرح و سپس توسط آندرسون^۵ (۱۹۷۹) و کروگمن و هلپمن^۶ (۱۹۸۵) توسعه داده شده و در تخمین تجارت بین کشورها مورد استفاده قرار گرفته، برآورده شده است. معادله مدل تحقیق به شکل زیر است:

$$\begin{aligned} \ln TRADE_{ijt} = & \beta_1 \ln TGDP_{ijt} + \beta_2 \ln RER_{ijt} + \beta_3 \ln POP_{ijt} + \beta_4 EXT + \\ & \beta_5 LIM + \beta_6 EXT * + \beta_7 LIM * \end{aligned} \quad (1)$$

۴-۱. تعریف عملیاتی متغیرها

Trade : متغیر وابسته مدل می‌باشد، اندازه تجارت را میان ایران و افغانستان در جریان یک سال به دلار امریکا نشان میدهد. داده‌های این متغیر، از سایت گمرک ایران بدست آمده است و در اینجا به شکل لگاریتمی وارد مدل شده است.

TGDP: حاصل ضرب **GDP** ایران و افغانستان ($GDP_I * GDP_{AF}$) را به قیمت ثابت (قیمت‌های سال ۲۰۱۱) می‌باشد که در مدل شکل لگاریتمی آن استفاده شده است. داده‌های این متغیر از

^۱ Fully Modified Ordinary Least Square (FMOLS)

^۲ Izard

^۳ Tinbergen

^۴ Anderson

^۵ Krugman & Helpmann

^۶ امامی و شعبانی، ۱۰:۱۳۹۵ و ضیائی بیگدلی، ۱۱۱:۱۳۹۲

سایت **W.D.I** مربوط به بانک جهانی گرداوری شده است. این متغیر بیانگر اندازه اقتصاد و قدرت تولید کشورها را نشان می‌دهد. انتظار می‌رود ضریب این متغیر مثبت یا منفی باشد. اگر این ضریب مثبت باشد بیانگر این است که کشور برونگرا عمل نموده با افزایش **GDP**، بیشتر کالا صادر و وارد نموده است. اگر این ضریب منفی باشد بیانگر این است که کشور درونگرا عمل نموده و با افزایش **GDP** بیشتر کالای مورد نیاز خود را در داخل کشور تولید نموده است.

T POP: حاصل جمع جمعیت ایران و افغانستان می‌باشد که اندازه بازار دو کشور را نشان می‌دهد و ابزار اصلی مدل جاذبه تعمیم یافته می‌باشد. زمانی که جمعیت یک کشور افزایش یابد، اندازه بازار آن افزایش می‌یابد و مقدار تجارت خارجی آن کشور افزایش خواهد یافت. داده‌های این شاخص از سایت **W.D.I** بدست آمده است.

RER: نرخ ارز واقعی شریک تجاری مورد نظر (افغانستان) را به ریال نشان میدهد که از فورمول زیر به دست می‌آید:

$$RER_{ijt} = \frac{OER_{it}}{OER_{jt}} * \frac{P_{it}}{P_{jt}} \quad (2)$$

در معادله بالا **OER_{it}** و **OER_{jt}**، به ترتیب نرخ مبادله ارز رسمی کشور *i* و *j* را به دلار امریکا در زمان *t* می‌باشد.

P_{jt} و **P_{it}** به ترتیب شاخص قیمت مصرف کننده‌در کشور *i* و *j* است. داده‌های این دو شاخص از سایت بانک جهانی گرداوری شده است. انتظار می‌رود تا زمانی که نظریه اقتصادی رابطه عکس ارزش پول و مقدار صادرات برقرار باشد ضریب **RER_{ijt}** مثبت خواهد بود.

EXT و **LIM** : به ترتیب تحریم‌های قوی و ضعیف اعمال شده بر ضد ایران که معمولاً از سه ناحیه، امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل وضع شده که در قالب متغیرهای دامی (مجازی) وارد مدل شده است. سال‌های که تحریم وضع شده و دوام داشته عدد (۱) به کار رفته در غیر صورت عدد صفر (۰) جا گزاری شده است.

LIM* و **EXT***: به ترتیب تحریم‌های قوی و ضعیف اعمال شده در دوره‌های قبل که معمولاً از سه ناحیه امریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل وضع شده در قالب متغیرهای دامی (مجازی) وارد مدل شده است. دوره‌های بعد از تحریم در صورتی که قبل آن تحریم وضع شده بود عدد (۱) به کار رفته در غیر صورت عدد صفر (۰) جا گزاری شده است.

۴-۲. روش برآورد مدل

^۱ World Development Indicators

^۲ Consumer Price Index (C.P.I)

روش حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده معمولاً تخمین‌های قابل اطمینان را برای نمونه‌های کوچک ارائه می‌کند و برای نمونه‌های بزرگ نیز کاربرد دارد. روشن حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده یک روش ناپارامتریک است که همبستگی احتمالی بین اجزای خطای مدل و تفاضل مرتبه اول متغیرهای توضیحی با وجود ضریب ثابت، به منظور تصحیح خودهمبستگی سریالی را مورد محاسبه قرار می‌دهد و تخمین زن حداقل مربعات معمولی را به صورت ناپارامتریکی تصحیح می‌کند (فلیپ و هاتسن: ۱۹۹۰). در واقع این روش امکان و شرایط لازم برای برآورد پارامترهای یک معادله هم انباشتگی را فراهم می‌آورد. لذا در صورت وجود رابطه بلند مدت و هم انباشتگی بین متغیرها مدل را می‌توان به روشن حداقل مربعات کاملاً اصلاح شده تخمین نمود و ضرایب بلند مدت را به دست آورد. در صورتی از روش یاد شده می‌توانیم ضرایب بلند مدت را تخمین نماییم که همه متغیر انباشتیه از درجه یک و هم چنان رابطه بلند مدت بین آنها برقرار باشد. به این منظور آزمون ریشه واحد انجام می‌شود.

۳-۴. آزمون ریشه واحد

نتایج آزمون ریشه واحد برای متغیرهای به کار رفته در تخمین تجارت دو جانبه بین ایران و افغانستان در جدول زیر گزارش شده است. جدول (۲) نتایج آزمون ریشه واحد متغیرهای به کار رفته در مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

نام متغیر	ارزش احتمال	Dicky-fullur	مقدار بحرانی (%)	مقدار بحرانی (%)	مقدار بحرانی (%)	وضعیت استایی و نا استایی	درجه انباشتگی
I(1)	0,4852	Ltrade	-4,5716	-3,6908	-3,2869	نا ایستا	
	0,0038	D(LTrade)	-5,1588	-3,7104***	-3,2978	ایستا	
I(1)	0,1992	LOG(POP _I * POP _{af})	-2,7283	-4,7283	-3,7597	نا ایستا	
	0,0001	DLOG(POP _I * POP _{af})	-19,8273	-4,6679****	3,3103	ایستا	
I(1)	0,7488	L(RGDP _I * RGDP _{af})	-1,6676	-4,5715	-3,6908	نا ایستا	
	0,0495	DLOG(GDP _I * GDP _{af})	-3,0404	-3,8573	-2,7886***	-2,6606	ایستا

I(1)	نا ایستا	-۳,۳۲۵۰	-۳,۷۵۹۷	۴,۷۲۸۴	-۰,۲۰۴۳	۰,۹۸۵۳	RER
	ایستا	-۳,۱۰۳	-۳,۷۳۳۲	*** -۴,۶۶۷۹	-۵,۷۵۸۳	۰,۰۰۱۶	D(RER)

منبع : محاسبات تحقق

***، *** و * به ترتیب به معنای ایستای با احتمال ۹۹ درصد، ۹۵ درصد و ۹۰ درصد می باشد.
با توجه به جدول فوق متغیر های جمعیت تجارت دوجانبه و تولید ناخالص داخلی انباسته از درجه یک (بعد از یک بار تفاضل گیری مانا می شود) می باشد.

۴-۴. آزمون هم انباستگی (هم جمعی^۱)

اگر متغیرهای مانند x_t و y_t انباسته از درجه یک باشند درین صورت معمولاً u_t نیز انباسته از درجه یک خواهد بود؛ اما الزاماً چنین نیست، ممکن است u_t مانا باشد. قسمی که قبل اشاره شد مانا بودن u_t بیانگر این است که معادله تخمین شده یک رابطه تعادلی (هم انباستگی) بین x_t و y_t را توصیف می کند. بنا بر این برای آزمون هم انباستگی ابتدا مدل را برآورد نموده و سپس پسمند ها را حساب می کنیم. با داشتن پسمند ها می توانیم آزمون ریشه واحد را برای پسمند ها انجام داد. در صورتی که ریشه واحد نداشته باشد، نشان می دهد که مانا است و این دلالت بر وجود رابطه هم انباستگی بین x_t و y_t می کند (سوری ۱۳۹۴: ۷۵۰). نتایج آزمون ریشه واحد پسمند های متغیرهای مورد نظر که به آزمون انگل گرنجر معروف است در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳. آزمون انگل گرنجر

آماره انگل گرنجر	رزش احتمال	مقدار بحرانی (%)	مقدار بحرانی (%)	آماره انگل گرنجر
-۴,۸۸۲۴	۰,۰۰۱۳	-۳,۸۵۷۴***	-۳,۰۴۰۴	-۲,۶۶۰۵

منبع: محاسبات پژوهش

*** با احتمال ۹۹ درصد مانا (ایستا)

با توجه به جدول فوق که نشان می دهد پسمند ها ریشه واحد ندارند و به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که میان متغیرها رابطه بلند مدت (هم انباستگی) وجود دارد.

۴-۵. تخمین مدل

^۱ cointegration

با توجه به اثبات رابطه هم جمعی بیین متغیر های مدل در اینجا به تخمین ضرایب بلند مدت مدل پرداخته می شود. قسمی که قبل نیز تذکر رفت برای تخمین رابطه بلند مدت از روش استفاده می گردد. نتایج تخمین بلند مدت در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴. تخمین مدل در بلند مدت

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح اطمینان
تحریم قوی (EXT)	۰,۳۴	۰,۲۳۳۲۲۸	-۱,۴۴۶۴۲۳	۰,۱۷۸۷
تحریم قوی دوره قبل (EXT*)	۰,۱۷	۰,۰۸۰۶۲۴	۲,۱۳۷۵۳۸	۰,۰۵۸۳
تحریم ضعیف (LIM)	۰,۹۶	۰,۴۵۸۲۲۷	۲,۱۰۴۰۳۲	۰,۰۶۱۷
تحریم ضعیف دوره قبل (LIM*)	۰,۵۹	۰,۱۵۷۰۴	۳,۷۴۱۲۸۴	۰,۰۰۳۸
جمعیت (TPOP)	۲۸,۶	۲,۶۴۵۷۴۳	۱۰,۸۳۶۵۸
تولید ناچالص (RTGDP)	-۱,۶	۰,۸۱۴۸۶۶	-۱,۹۶۷۱۲۲	۰,۰۷۷۵
نرخ ارز حقیقی (RER)	-۰,۰۰۳	۰,۰۰۰۵۱۲	-۶,۲۲۵۵۰۹	۰,۰۰۰۱
مقدار ثابت (C)	-۴۶۳,۸۲	۳۵,۰۵۴۴۸	-۱۳,۲۳۱۶۴	...

منبع : محاسبات تحقیق

نتایج بدست آمده از ضرایب تحریم نشان می دهد که اجرای هر نوع تحریم تاثیر مثبت و معنادار در دوره اجرای تحریم و در دوره بعد از اجرای تحریم بر تجارت افغانستان و ایران داشته است. طوری که با اجرای تحریم های شدید و متوسط، در هر دوره در زمان اجرای تحریم تجارت میان دو کشور، به طور متوسط ۳۴,۰ درصد افزایش و در دوره ای بعد از تحریم به طور متوسط ۱۷,۰ درصد افزایش می یابد. در مجموع اعمال تحریم های ضعیف و متوسط (در دوره اجرا و دوره بعد اجرا) باعث افزایش ۵۱,۰ درصد تجارت دو کشور گردیده است. تحریم ضعیف هم در دوره اجرای تحریم و هم در دوره بعد از تحریم اثر مثبت و معنادار بر تجارت دو کشور داشته است. طوری که با اجرای تحریم های ضعیف (محدود) تجارت میان ایران در هر دوره اجرای تحریم و دوره بعد از اجرای تحریم به ترتیب ۰,۹۶ و ۰,۵۸ درصد افزایش می یابد. به این ترتیب اعمال تحریم های ضعیف (در دوره اجرا و دوره بعد اجرا) باعث افزایش ۱,۵۴ درصد تجارت میان ایران و افغانستان گردیده است. به طور کلی این نتیجه بدست می آید که اعمال هر نوع تحریم در هر دوره (در دوره اجرا و دوره بعد

از اجرا) باعث شده است که تجارت میان ایران و افغانستان به طور متوسط ۲,۰۱ درصد افزایش یابد.

ضریب به دست آمده از تولید ناخالص داخلی حقیقی منفی و معنadar است؛ طوری که با افزایش یک درصد تولید ناخالص داخلی حقیقی تجارت میان دو کشور ۱,۶ درصد کاهش می یابد. این موضوع نشان می دهد که دو کشور درون‌گرا عمل نموده و با افزایش تولید ناخالص داخلی کالای مورد نیاز را تا حد امکان در داخل تولید می‌کند. از طرف دیگر این موضوع شاید ناشی از عملی سازی استراتژی کاهش واردات در افغانستان و تطبیق سیاست اقتصادی مقاومتی در ایران باشد که در آن هر دو کشور استراتژی کاهش وابستگی به تولیدات خارجی دنبال می‌شود. ضریب به دست آمده از نرخ ارز حقیقی منفی و معنadar است؛ طوری که با افزایش یک درصد نرخ ارز حقیقی تجارت میان دو کشور ۰,۰۰۳ درصد تجارت کاهش می یابد. با توجه به اینکه سهم ایران در تجارت ایران و افغانستان بیشتر از ۹۹ درصد است. این موضوع نشاندهنده این است که با افزایش قیمت ریال در مقابل افغانی کالای ساخت ایران در افغانستان گران شده و افغانستان کمتر کالای ایران را خریداری می‌کند؛ اما به توجه به محدودیت‌ها در افغانستان تأثیر این افزایش قیمت بسیار کم است.

۵. بحث و نتیجه گیری

با توجه به روابط ۴۲ ساله خصمانه‌ی ایران و امریکا، امریکا همزمان با وضع تحریم‌های یک جانبه بر ضد ایران توانسته است حمایت بعضی از هم پیمانان خود را جهت مقابله با ایران بدست آورد. این موضوع سبب گردیده است که تحریم‌ها برضد ایران با گذشت زمان افزایش و شدت یابد. طوری که تحریم‌های اقتصادی یک پدیده‌ی بنیادی برای اقتصاد ایران تبدیل شده است. با توجه به اینکه تحریم یکی از موانع مهم در عرصه تجارت خارجی به شمار می‌رود و در نتیجه باعث محدود سازی شرکای تجاری کشور هدف می‌شود. ایران برای دور زدن و یا کاهش آثار منفی این تحریم‌ها تجارت خارجی خود را با بعضی از کشورها که به هر دلیل از سیاست‌های تحریمی تحریم‌کننده گان، پیروی نکرده و به افزایش تجارت با ایران تمایل نشان داده، افزایش داده است. در واقع شرکای تجاری ایران را می‌توان به دو دسته تقسیم نماییم : ۱) کشورهای که در زمان اجرای تحریم‌ها، تجارت خود را با ایران افزایش داده اند مانند؛ چین، هند، ترکیه، افغانستان و ... ۲) کشورهای که در زمان اجرای تحریم‌ها، تجارت خود را با ایران را کاهش داده اند مانند؛ سوئد، ژاپن، آلمان، فرانسه و ... در این میان افغانستان با توجه به موضوعاتی که قبلًا تذکر رفت یکی از کشورهای است که تجارت خود را با ایران در زمان اجرای تحریم و بعد از اجرای تحریم، چندین برابر افزایش داده اند انتظار می‌رود به دلیل نیاز دو کشور در آینده نیز افزایش یابد. از طرف دیگر با فرار رئیس جمهور

سابق افغانستان در ۲۵ مرداد ۱۴۰۰ نظام جمهوری در افغانستان فروپاشید و گروه طالبان دوباره بعد از ۲۰ سال در افغانستان حاکم شده است. به دلیل اینکه تعداد زیادی سران طالبان در تحریم شورای امنیت سازمان ملل متعدد قرار دارد و همچنان نوع حاکمیت و چگونگی به قدرت رسیدن طالبان نیز باعث شده که دولت مستقر در افغانستان تا کنون از سوی هیچ کشور (حتی متحده این گروه) به رسمیت شناخته نشده است. این موضوع باعث قطع کمک‌های جامعه جهانی و مسدود سازی دارای‌های بانک مرکزی افغانستان شده است که این موضوع می‌تواند روابط تجاری و اقتصادی ایران و افغانستان را به با مشکلات همراه سازد. از این رو لازم است دو کشور راهکارهای را جهت کاهش موانع و محدودیت‌های که ناشی از تحریم وجود می‌آید درنظر داشته باشد. بنا براین در مطالعه حاضر به بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی، بر مبادلات تجاری ایران و افغانستان در سال‌های (۱۳۹۸-۱۳۸۰) پرداخته شد نتایج نشان می‌دهد که تحریم‌ها نتوانسته تجارت ایران و افغانستان را کاهش دهد در مقابل تحریم‌ها باعث شده که تجارت میان دو کشور افزایش یابد.

۶. توصیه‌های سیاستی

- با توجه به تداوم تحریم‌های اقتصادی و احتمال استمرار آن و نیز با توجه به موضوعات اختلاف برانگیزی چون موضوع اسرائیل و فلسطین، پرونده هسته ای ایران، حضور امریکا در خاورمیانه و به شکل خاص در عراق، برنامه موشکی ایران و... نمی‌توان حداقل در کوتاه مدت نشانه بهبود روابط را انتظار داشت. در خوشبینانه ترین حالت با روی کار آمدن افراد میانه‌رو در متن قدرت و تصمیم‌گیری می‌توان انتظار داشت که این اختلافات مدیریت شود (نه حل بنیادی و ریشه ای اختلافات). لازم به ذکر است که بسیاری‌ها به این گفتگوها و توافقات دید بد بینانه داشته و معتقد اند که امریکا از این گفتگوها بیشتر هدف‌های تاکتیکی و پژوهه ای را دنبال می‌کند (نه رسیدن به راه حل و حل بنیادی مسأله). خروج امریکا از برجام بیشتر این فرضیه را تقویت می‌کند. از طرف دیگر تجارت نشان داده است، در صورتی که توافق بین امریکا و ایران صورت بگیرد بازهم در طولانی مدت دوام نیاورده و به راحتی از سوی امریکا نقض می‌گردد که برجام یکی از نمونه‌های آن است. بنا بر این، برای کاهش اثر تحریم‌ها استفاده از بازارهای کشورهای همسایه ایجاد پیمان پولی دوجانبه بین ایران و افغانستان، استفاده از پول رایج دو کشور در تجارت دو کشور می‌تواند جهت کاهش اثر تحریم‌ها بسیار اثر بخش باشد.
- ایجاد بازارچه‌های مرزی مشترک، توسعه بازارهای مشترک تجاری بین دو کشور جهت تولید مشترک با برند یکسان بویژه محصولات کشاورزی و معدنی.

۳. از آنجا که ایجاد توافق نامه تجاری باعث ایجاد قوانین خاصی می‌گردد که رعایت آن از سوی اعضاء الزاماً است و کشوری عضو چنین سازمانی باشد اثر تحریم کاملاً بی اثر می‌گردد(حضری، ۹۵:۱۳۹۵). بنا براین یکی از راه‌های کاهش اثر تحریم، ابتکار ایجاد و عضویت کشورهای ایران و افغانستان و کشورهای قدرتمند اقتصادی نظیر چین و هند است. چنین سازمانی می‌تواند تا حدودی زیادی اثر تحریم‌ها را کاهش دهد.
۴. با توجه به اینکه سیاست، اقتصاد و تجارت رابطه ناگسستنی با هم داشته و از همدمیگر به شدت تأثیر پذیر می‌باشد. از طرف دیگر گروه حاکم در افغانستان را هیچ کشوری تا این حال به عنوان یک دولت به رسمیت نمی‌شناسد. بنا براین بر گروه حاکم در افغانستان لازم است که جهت شناسایی دولت شان اقدامات جدی انجام داده و روابط اقتصادی و سیاسی خود را با کشورها برقرار نماید
۵. همان طوری این تحقیق نشان داد نوسان پول رایج دو کشور باعث کاهش تجارت کشور می‌گردد، بنا براین برای تثبیت پول رایج شان دو کشور اقداماتی را انجام دهد.

منابع

۱. آقایی، مجید رضا قلیزاده، مهدیه و محمد رضای، مجید (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی و تجاری بر روابط تجاری ایران و کشورهای شریک عمده تجاری، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، دوره ۸، شماره ۲۸، ص ۶۸-۵۰.
۲. اخوی، سید محمد سادات و حسینی، سید شمس الدین؛ ارزیابی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر تورم در ایران (۱۳۹۶). *فصلنامه اقتصاد کشاورزی*، دوره ششم، شماره ۲۱.
۳. جعفری سرشت، داود، سلمان پور، علی و شکوهی فرد (۱۳۹۸)، اثر امنیت اقتصادی و تجارت خارجی بر رشد اقتصادی. *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، دوره ۸، شماره ۲۷، ص ۱۵۷-۱۷۲.
۴. جعفری هرندي، کبرا (۱۳۹۷) آسیب شناسی تحریم‌های سازمان ملل از نظر حقوق بشر، *مجله پژوهش‌های بین‌الملل*، دور سوم، شماره ۳۱، ص ۹۱-۱۰۸.
۵. جویا، محمد عمر، گزارش اقتصادی افغانستان در سال ۱۳۹۵، تهییه شده توسط بانک جهانی.
۶. دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶)، برجام و پسا برجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سی و یکم، شماره ۱، ص ۵۱-۷۳.
۷. خاشعی، یوسف (۱۳۹۸)، همگرایی رشد اقتصادی افغانستان و کشورهای همسایه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی و رفتاری، گرایش اقتصاد اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اهلیتیت-تهران.
۸. خضری، اوین (۱۳۹۴)؛ بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده تجاری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و مدیریت بازارگانی، گرایش علوم اقتصادی، دانشگاه تبریز.
۹. فرجی دیزجی، سجاد، جاریانی، فرزانه و نجارزاده، رضا (۱۳۹۷) تأثیر تحریم‌ها بر تجارت متقابل محصولات کشاورزی بین ایران و کشورهای منطقه منا و اتحادیه اروپا، *مجله اقتصاد کشاورزی*، جلد ۱۲ شماره ۲، ص ۶۹-۹۰.
۱۰. سوری، علی؛ اقتصاد سنجی پیشرفته؛ جلد اول و دوم، چاپ چهارم؛ انتشارات فرهنگ شناسی؛ تهران ۱۳۹۴.
۱۱. ساجدیان فرد، تجمیه، هادیان، ابراهیم، صمدی، علی‌حسین و دهقان شبانی، زهرا (۱۳۹۸)، بررسی آثار تحریم‌های بین‌المللی بر ساختار تجاری ایران، *فصلنامه اقتصاد و الگو‌سازی*، سال دهم، شماره سوم.

۱۲. صفا، حمیدرضا نیکوگفتار و ردادی، علی(۱۳۹۴)، تحلیل راهبردی تحریم‌های تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال هجدهم، شماره ۶۶ ، صص ۹۶-۷۶
۱۳. طغیانی، مهدی و درخشنان، مرتضی(۱۳۹۳)، تحلیل عوامل تأثیر گزاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن، *فصلنامه راهبرد*، سال بیست و سوم، شماره ۷۳ ، صص ۱۱۵-۱۴۶
۱۴. غفاری، هادی و یونسی، علی؛ مبانی فقهی پیشرفتہ اسلامی؛ چاپ دوم، انتشارات پیام نور، تهران ۱۳۹۵
۱۵. کریمی فرد، حسین(۱۳۹۷)، *سیاست خارجی ترامپ و واقعیت های نظام بین‌الملل*، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی*، دوره ۸ ، شماره ۲۸ ، صص ۲۸۶-۳۰۴
۱۶. مهدی‌لو، علی؛ ابوالحسنی، اصغر و محسن رضای (۱۳۹۸)، رتبه بندی انواع تحریم و برآورد شاخص مخاطرات تحریم، *فصلنامه نظریه کاربرد های اقتصادی*، سال ششم، شماره ۲، صص ۷۶-۴۹
۱۷. نادمی، یونس و حسنوند، داریوش (۱۳۹۸)، شدت تحریم‌ها و فقر در ایران: لزوم لغو تحریم‌ها از منظر حقوق بشری، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری*، دوره نهم، شماره ۳۱، صص ۱۵۴-۱۷۰
۱۸. یعقوبی منظری، پریسا و مهدی رضایی(۱۳۹۷)، *شناسایی بازارهای هدف کالای صنعتی با فناوری بالای ایران در کشورهای اسلامی*، *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۲۴، صص ۸۹-۱۱۰
19. Asadi, A., Shahrivar, M. M., & Esmaili, S. M. (2015). Passing through sanctions by resistive economy. *International Journal of Resistive Economics*, 3(1), 50-65
20. Cortright, D., Lopez, G. A., Conroy, R. W., Dashti-Gibson, J., Wagler, J., Malone, D. M., & Axworthy, L. (2000). *The sanctions decade: Assessing UN strategies in the 1990s* (Vol. 1). Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
21. Dai, M., Felbermayr, G., Kirilakha, A., Syropoulos, C., Yalcin, E., & Yotov, Y. (2021). *Timing the Impact of Sanctions on Trade* (No. 2021-7). LeBow College of Business, Drexel University.
22. Drezner (1999). *The sanctions paradox: economic statecraft and international relations*. New York: Cambridge University Press.

23. Eyler, R. (2007). *Economic Sanctions: International Policy and Political Economy at Work*. Palgrave Macmillan.
24. Ghodsi, M., & Karamelikli, H. (2020). *The impact of sanctions imposed by the European Union against Iran on their bilateral trade: General versus targeted sanctions* (No. 181). Working Paper.
25. Majidi, A. F., & Zarouni, Z. (2016). The Impact of Sanctions on the Economy of Iran. *International Journal of Resistive Economics*, 4(1), 84-99.
26. Hufbauer, G. C., & Oegg, B. (2003). *The impact of economic sanctions on US trade: Andrew Rose's gravity model* (No. PB03-04).
27. Hufbauer, G. C., Schott, J. J., & Elliott, K. A. (1990). *Economic sanctions reconsidered: History and current policy* (Vol. 1). Peterson Institute..
28. Phillips, P. C., & Hansen, B. E. (1990). Statistical inference in instrumental variables regression with I (1) processes. *The Review of Economic Studies*, 57(1), 99-125.
29. Rogers, E. (1996), "Using Economic Sanctions to Control Regional Conflicts", *Security Studies*, vol. 5, no. 4

